

وسیلہ جوئی با توحید و تقویٰ مخالف نیست

این مسأله در علم کلام و بحث عقاید اسلامی، محل گفتگو بوده، برخی از افکار افراطی و انحرافی از متکلمین از میان فرقه‌های اسلامی پیدا شده‌اند که هر نوع وسیله جوئی برای انجام کار را با توحید خالص منافی می‌دانستند و همین مسأله فنی کلامی، از خواص در عرف مردم عوام معمولی نیز سرایت کرده و بسیار مورد بگونگی واقع شده است و برای مردم عادی يك نوع شبه‌ای پیدا شده است و چه بسا این شبهه از عالم عقیده و فکر نیز با بمیدان عمل گذارده است و در وضع جامعه و پویائی آن، تأثیر بسزائی

ممکن است در برخی از اذهان این فکر انحرافی پیدا شود که تمسک بمقدمات و وسائل انجام کار، با تقوا سازگار نیست بگمان اینکه لازمه تقوا، توکل بخدا است و توکل بخدا با توسل بغير او در انجام کار، توافقی ندارد و عبارت دیگر، این مسأله مطرح گردد که آیا حالت تقوا ایجاب می‌کند که انجام هر عملی حتی بدون توسل به وسیله مخصوص آن عمل و بدون تمسک بمقدمات آن باید صورت پذیرد یا نه؟ و بطور خلاصه وسیله جوئی در انجام کار با عقیده به توحید خالص منافات دارد و موجب شرك می‌شود یا نه؟

داشته است و جامعه را بسوی تبلی و بیماری وعدم فعالیت و جنب و جوش سوق داده است بطوری که برخی از افراد تبلی جامعه همواره منتظر هستند که همه کار را خدا و کار گزارانش انجام دهند و باین نوع فکر منحرف تحت پوشش لزوم توکل وعدم توسل بغیر خدا، مشروعیت دهند.

وهیچ، بید نیست که فکرهای خیانت- بار حتی دستهای مرموز استعمار نیز در پشت این نوع فکرها باشد که در شیوع و فعالیت و رسوخ این فکر مسموم در میان ملل مسلمان شاید بی تأثیر نباشد که کار و عدم تحرك و فعالیت را در شئون ممالک اسلامی کم و بیش می بینیم.

بیان حقیقت در این مسأله مهم بطور اختصار ضروری است و مطالعه نظر قرآن در اینجا بسیار رهگشا است. روح شبهه در حقیقت باین برمی گردد که **اتکا بغیر خدا و تمسک بوسائل در انجام يك هدف، موضوعیت دادن بوسیله ها بوده و در واقع بمنزله عقیده بیک فعالیت مستقل و اصیل در اشیاء در مقابل فعالیت تام و منحصر بفرد خدا محسوب می گردد و خود این، شرك می باشد و با حالت تقوا و توکل بخدا، سازگار نیست.**

ولکن در رفع این شبهه باید توضیح داد که هر موجود زنده ای برای بر آوردن نیازهای جسمی و روحی خود ناگزیر از فعالیت می باشد و این فعالیت مستقیماً

از احساس نیاز هر موجودی بزندگی ناشی می شود و نوع فعالیت و جهت آن با انواع نیاز و مقدار آن رابطه مستقیمی دارد، و هر موجودی برای ادامه حیات، ناچار از مصرف آب و استفاده از هوا و حفظ خود از گرما و سرما است و برای تحصیل این نیازهای اولیه، وسائلی را بکار می گیرد و بدینوسیله نیازهای خود را برطرف می- سازد و لکن در اینجا این توقع و انتظار بیجا است که چون آفریدگاری دارد و علت وجودی پس منتظر بماند که خداوند خودش مستقیماً کارها و نیازهای زندگی او را بر آورد و این توقع از نظر عقلی نیز محال است زیرا خداوند جسم نیست و طبعاً هیچ گونه ارتباطی با اجسام در عالم مادیات بنحوی مباشرت نمیتواند داشته باشد و گر نه مادی می شود و آن نیز عقلاً محال است.

آری خداوند مبدأ حیات در عرصه وجود است و فاعلیت تمام در این مورد دارد (که در جای خویش اثبات شده است) و لکن مبدأ حیات بودن هرگز اقتضای نمی کند که مستقیماً وارد عمل شود و از طرف دیگر ناموس خلقت و آفرینش ایجاب می کند که کارها در عالم مادیات با وسائل و تنظیم مقدمات بتدریج در دائره زمانی خاصی انجام بگیرد پس ناچار ما در اعمال و نیازهای روحی و جسمی خود، نیازمند وسائل مخصوص آنها هستیم و این يك امر فطری و طبیعی در انسان و سایر حیوانات است

و این . قابل انکار نیست و لکن جان کلام اینجا است که چنگ زدن بوسائل و تمسک بآنها ، دو گونه انجام می شود : يك گونه آن ، موجب شرك و گونه دیگر آن نه تنها موجب شرك نیست و با توحید منافاتی ندارد بلکه در راه توحید و بمنظور تحقق آن انجام می گیرد .

و سر این کلام اینکه اگر به وسیله تنها از طریق وسیله بودن و واسطه انجام عمل و بمنظور طریق رسیدن بمبدأ اصلی کائنات نگاه کنیم و با اصطلاح بانظر آلی و مرآتیی بآن نگاه کنیم یعنی در مسیر تکامل بسوی الله و در راه رسیدن باو با اتکاء بوسیله ، گام برداریم این ، هرگز موجب شرك نیست چنانکه اگر وسیله را موضوعیت داده و خود آنرا هدف قرار دهیم آنوقت شرك ، لازم می آید .

مثال روشن آن ، اینکه اگر برای مسافرت بمشهد مثلاً به هواپیما سوار بشویم اگر مقصود ، رسیدن بمشهد و زیارت باشد و به هواپیما تنها ، از دیدگاه يك وسیله برای رسیدن بمقصود نگاه کنیم هرگز منافاتی با خلوص و توحید ندارد و برای زیارت مانیز ثوابی خواهد بود و لکن اگر مقصود ما از مسافرت بمشهد ، تنها سوار شدن به هواپیما باشد مسلماً در اینجا ، وسیله و هدف هر دو یکی بوده و با یکدیگر تطبیق می کنند و باین قصد ، ابدأ اثر عبادی مترتب نیست و این عمل ثواب و پاداشی نخواهد داشت و اسلام

نیز این شبهه را با ظرافت خاصی حل کرده و روی آن تأیید می کند ، اسلام ، توحید خالص را با انجام کاری با وسیله مخصوص خود ، طوری تلفیق داده است که نه تنها موجب شرك نبوده و خدا را در مقابل ماده قرار نمی دهد بلکه عالم ماده و عالم وسائل مادی را در طریق رسیدن باو و در طول او طوری تنظیم می کند که نه تنها هیچ گونه مخالفت با سرشت و فطرت و ناموس خلقت ندارد بلکه با سیر در طریق فطرت و ناموس آفرینش با بهترین وجهی تطبیق می کند چنانکه خداوند در قرآن مجید در سوره (۵) آیه (۳۵) می فرماید :

« یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله و ابتغوا الیه الوسیله وجاهدوا فی سبیلہ لعلکم تفلحون »

: « ای کسانی که ایمان آورده اید تقوا پیشه سازید و با وسیله ، بسوی خدا حرکت کنید و در راه او مجاهده نمایید شاید شمار ستکار شوید » .

چنانکه خوانندگان ، ملاحظه می کنند امر به ایمان و تقوا و امر به حرکت بسوی خدا با وسیله و مجاهده در راه او و رستگاری ، چگونه در این آیه ، جمع بوده ، همه در يك جهت بطور توازن و تعادل حرکت می کنند ؟ که هرگز با توحید و عقیده بمبدأ و علت اصلی موجودات منافاتی ندارد و کلمه (الیه الوسیله) بخوبی

میرساند که وسیله و وسیله است نه هدف .

بلکه باید بسوی هدف که تکامل در راه خدا است با وسیله حرکت کرد و این است توحید خالص بدون شرك و روایات زیادی نیز در این مورد هست که فعلا محل گفتگوی آن نیست .

عفو و تقوا

پرهیزکاران دارای رشد عقلی و به تعبیر قرآن رشید می باشند و در نتیجه در برابر قوای بیدادگری از قبیل قوه شهوت و قوه غضب و سایر احساسات فطری هر انسانی که بمنزله سیلی بنیان کن انسانها را مورد حمله قرار می دهد مقاومت می کند و یکی از علائم رشد ، عفو و اغماض از حق خویش و یا از گناه دیگران می باشد .

و ناگفته پیداست که این عمل ، يك عمل اختیاری بوده و تنها از موضع قدرت صورت می گیرد نه از موضع ضعف یعنی اینطور نیست که چون عاجز است و ضعیف و نمیتواند حق خود را بدست آورد باید

اجباراً از حق مشروع خویش چشم پوشی و اغماض کند بلکه از آنجا که قانون اسلام این حق را باو داده است که می تواند از حق مشروع خود از هر قبیل که باشد جداً دفاع کند و از موضع قدرت از حق خود بخاطر خدا و برای ایجاد الفت و مهر و صفا در میان برادران دینی از روی اختیار می گذرد و در حقیقت ، ریشه عفو ، کرم و جوانمردی و فتوت می باشد .

و در اینجا می توان برتری اسلام را بر آیین فعلی مسیحیان دریافت آنجا که در انجیل موجود تصریح می کند که اگر کسی سیلی بتسوزد ، طرف دیگر صورت خود را نیز برای سیلی خوردن آماده کن یعنی اجباراً تسلیم در برابر زور و ستم باش!!
قرآن مجید چنین می گوید : « و ان تعفوا اقرب للتقوی ولا تنسوا و الفضل بینکم ان الله بما تعملون بصیر » ... و اگر در گذرند بتقوی نزدیکتر است و فضیلت هائی که در نیکوئی بیکدیگر است فراموش نکنید که خداوند بهر کار نیک و بد ، آگاه است » (۱)

۱ - سورة بقره آیه ۲۳۸

آتش خشم

الْقَضْبُ يُفِيدُ الْإِيمَانَ كَمَا يُفِيدُ الْخَلُّ ، أَلْعَسَلُ :

خشم ، ایمان را تباه می کند چنانکه سرکه ، طعم شیرین عسل را از بین می برد .

از سخنان امام صادق (ع)

۲۷ مکتب اسلام

شماره مسلسل ۵۲۰